۶۷ - ای منجذبه ملکوت اللّه

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ۶۷ - ای منجذبه ملکوت اللّه

ای منجذبه ملکوت اللّه، از آينده انديشه منما هر که بملکوت اللّه پيوست در صون حمايت حضرت بهاءاللّه است حوادث عالم مادّی چه خوب چه بد مثل امواج درياست در مرور است بقائی ندارد و سزاوار اهمّيّت نه. ملاحظه نما که اندک زمانی چه انقلابات عظيمه حاصل سريرهای سلطنت درهم شکست و تاجهای شهرياری بباد رفت شهد فائق سمّ قاتل شد و جام صهباء زهر هلاهل گشت بنيانهای عظيم ويران شد و ملوک قوی سرگردان گرديد خانواده سلطنت بی سر و سامان گشت و توانگران محتاج به نان شدند اينست شأن دنيا. لهذا چه اهمّيّتی دارد عاقبت هر بهار مبدّل بخزان شود و هر زمستان منقلب به تابستان گردد بيابان سبز و خرّم از طوفان برف و بوران خاک سياه شود و درختان پر لطافت و طراوت لخت و عريان گردد و اين ناموس لم يتغيّر و لم يتبدّل عالم مادّی است. آيا ديگر جائز است انسان براحت دنيا مسرور گردد يا از عدم رفاهيّت محزون شود ؟ اين حال سزاوار اطفال است ولی اهل ملکوت سرورشان از فيوضات الهيّه است و اميدشان بفضل نامتناهی الهی بفيض ملکوت خوشنودند و بالطاف ربّ الجنود مشعوف و مسرور در آتش بلا و مصائب تر و تازه‌اند و در طوفان مشقّت و حوادث راحت و در نهايت آسايش زيرا تکيه بکوهی عظيم دارند و آرامگاه در کشتی از زبر حديد. خلاصه اينست که بايد هميشه در نشئه و سرور باشی و مستبشر ببشارات الهيّه.

